



مطالعه و اصول آن

پیوسته بگذشته

ترجمه و نگارش محترم عبدالجبارخان
عضور یاست

هر چیز بخود در جنبه دارد، یکی پهلوی نیک و دیگری پهلوی بد - اول آن داخل یکی از اصول مطالعه میباشد و مراد از آن بکار انداختن احساسات نیست تا انسان را به «دیدن پهلوی نیک هر شیء» سوق بدهد. همچو احساسات با اندازه مختلفه بدماغ هر فرد موجود است چنانچه هر شخص بکار یک اقدام می نماید ذوق و خواهش فطری او اینست که طرف نیک و نتیجه خوب آن برایش حاصل شود، مثلاً کسیکه میخواهد خانه تعمیر کند میلان طبیعی او راغب بتعمیر نمودن خانه های خوب و مزین و موافق با اصول هندسی و صحنی میباشد و یا تا جری خواهش دارد که تجارت کند، ضرور رغبت و خواهش او بطرف خوب شدن تجارت میباشد. نه تنها بر هر یک از اقدامات خصوصاً شوق و شغف انسان به نتیجه خوب آن میباشد بلکه بنهم امور و اسباب زندگی، خیال هر کس بخوب شدن آن قائم است بهمین سبب است که هیچکس نمیخواهد که حیاتش خراب و مفلوک گردد.

نظر بخواهشات فوق، اگر خوب غور و دقت نماید معلوم میشود که هر کس يك نظر به خوب دیدن دارد ولی این حس و نظر به را چیزیکه سرعت پیش می برد علم است، چه! اگر علم نباشد انسان طریق پیشرفت مقاصد خود را نمیفهمد

یعنی شخص جاهل همیشه در مراحل زندگی خود ناکام و بخواری و مذات دوچار و شخص عالم دائماً مظهر کامیابی و آرامی و عزت میباشد. بهمین واسطه گفته اند « همیشه علم اگر چه اندک هم باشد بهتر است ».

مقصد کوبنده ابن ندیمت که علم بدون داشتن قوای میزیه همیشه خوب و مفید واقع خواهد شد. بلکه مطلب اینست که انسان بعد از داشتن علم حس تمیز را باید تربیه و تقویه نموده آنرا بکار اندازد تا چیزی را که از اثر علم و دانش انتخاب می نماید فائده آنرا بدرستی ملاحظه و تمیز کرده بتواند. بعضی چیزها اینقسم هم میباشد که بظاهر جنبیه خوب آن ظاهر نه میگردولی در باطن اگر انسان خوب غور کنند نتیجه خوبی بدست می آرد که بچشم ظاهر بینان جلوه نه میکند. چیزی بیکه از اماشوف میسازد همان حس تمیز است. از آن جهت اشخاص فکور و بیدار نمیخواهند که هر مسئله را بدون سنجش پهلوهای نیک و بدان از نظر بگذرانند. برای زبده و تقویه حس « جنبه نیک دیدن » که از حس تمیز نشئت میکند تمام علوم عموماً و شاعری، رسامی، موسیقی، صنایع نفیسه خصوصاً موثر و مفید واقع میشوند چرا که هر یک از این علوم بدرجات مختلفه، مظهر علمیت و جمال کائنات بوده ز دماغهای عالی آنچنان اثر خوب میاندازند که نتایجش را لحظه بلحظه خوبتر و بیشتر ارائه میدهند یعنی اینها ماده جزوی و عارضی نیستند که نتایجش را بطور فوری و سطحی یافته بتوانیم بلکه هر کدماش محل خود یکی از اجزای مهم زبیه معنوی بشمار میروند که بر روز زمان خوابهای خود را بطور دائمی و مستقل نشان داده میتوانند.

ازینجاست که محصلین صحیح علوم فوق مجرد دیدن بدن بک شی یقصد کلی آن بی برده حقایق و کیفیاتش را کماحقه اظهار کرده میدوانند و اگر بطور عملی نشان دانش بکار باشد آنرا بصورتی ظاهر کرده میتوانند که بسا خوابهای زراک از آن بدست می آید. بر خلاف آن در دنیا افرادی هم وجود دارند که اگر هر قدر تعلیم کنند باز هم

چیزی که مناسب حال و لازم زحمات تحصیلشان میباشد خوب نمیشوند زیرا غذای اصلی دماغ خود، خوب غور نمودن، را بهم نرسانیده و از چیزهای قابل غور بطور سطحی و عارضی گذشت اند. بفرض از آله همچو خصات چنین لازم است: - هر کس چیزی را که می بیند و یا با اطرافش مطالعه میکند از آن اصل غذای معنوی را کسب نماید تا از آن مستفید شده بتواند مثلاً شخصی میخواهد عمارتی تعمیر کند لایم است که آنرا بی اهمیت نیندارد بلکه بچگونگی اصول تعمیر آن از نقطه نظر هندسی و صحت مدت ساختن، خوبی مواد خام و بخته آن، تاثیر مواسم چارگانه بر آن و غیره، خصائص لازمه آن غور و وقت نماید.

هكذا اگر يك نفر شعبده با زما هر را در حال حقه با زى او مشاهده كنيد عمليات را از جنبه ساعت تيرى اطفال كه غير مهم است قياس ننمائيد بلكه از زحمات چند بن ساله آن كه در بين فن منجمل شده و هر يك از اعضاى خود را تحت تربيه مراقبت گرفته و بالاخره بهر يك از عمليات حيرت افزا موفق گردیده است بهر کدام آن كه طرف خوبى است يكسان يكسان واقف گردید و با ز در اطراف هر جزو آن دقيق شده بمسئله دماغ محاسبه نمائيد تا از جزئياتش كه با حقه پي برده از يكسو خود را معنا، ملذذ، و از ديگر جا تب دماغ خود را بسنجيدن پيچيدگيهاى مهم مستعد گردانيد. *برنال جامع علوم انسانی*

خلاصه اینکه اگر بصورت عمومی بسگوئیم جوانان را لازم است که با خذ خوبیهای معنوی حرص بود، «نظر استحسان» خوبش را تربیه کنند چه، فشنکبها و خوبیهای بی نظیر کائنات را از پرده باریک و تاریک آن بیرون کشیده با نظار بصیر روشن و هویدا ساختن مربوط بهمین نظر حاصل میشود.

کسیکه ابن حس نیک بینی را ندارد مبرهن است که از عجائب مخلوقات که درین دنیا با حکمت و با عظمت، بیحد و لایحصى است متاثر و متحسین شده

نیتوانند بلکه قیاس خود را هد کرده که میدان ابن جهان چنان تنگ و اسبابش
 باند ازه محدود و غیر قابل غور است که حدس زدن در باره آن باعث تضییع
 اوقات میباشد. بر خلاف آن حکما و فیلسوفان (که هر کدام آنها دارای
 قوای معنوی بلند و استعدادهای کافی بودند) از بس در اطراف هر يك از مواد
 کائنات (گرچه بنظرها خفیف و جزئی معلوم میشوند) پیچیده و مدتها بران
 بحث کرده اند بالاخر بمقصد تمام نرسیده ما بوسا له ازین جهان رحلت نموده اند.
 اگر فعلاً بتوضیحات بالا که را جمع بکارانداختن و قوی ساختن حس
 « نیک بینی » میباشد اکتفا کنیم و طرف مقابلش را که بعمل آورده اند حس
 « طرف بدهرشی را بدست » رجوع نمائیم گفته میدانیم که از افراد
 لوتربیه شوندگان، کبریکه، میخورا هدا من پاك خود را بکارهای ناشایسته
 ملوث سازد نظر محدود بودن معلومات و تربیه شان، شروع به نکته چینی نموده
 دماغ خود را بسنجیدن و فکر کردن ذمائم مشغول نماید و همین مشغولیتش را
 تا در جاری بدارد بالاخر کار بجای میرسد که فکرش بعیب گیری و تنقید نمودن
 چنان عادی میشود که تمام نیکوئیها و خوبیها از نظرش غایب میگردد و چیز بکه
 افکارش را مشغول و محکوم میسازد تماماً خرابیها و بدبها خواهد بود یعنی
 اگر صاف ترکوئیم در مینوع دماغ او تخم بدی زرع گردد بدو از حسنات
 و قشنگیهای بهره و عاری میماند. ازینجهت ابن شخص در عالم اجتماعات
 از جنبه نیک بینی پیش نیامده مضر جامعه ثابت میشود، آنکاه توقع لیکمی ازان کرده
 نخواهد شد. بر خلاف آن محصلین خوشبختیکه در آینده خیال خوب شدن
 و اراده کار کردن را در جامعه داشته باشند برایشان از همه اولتر لازم است
 که از نکنه چینی و عیب گیری احتراز نموده همیشه بتقوی حس « طرف خوب دیدن »
 باشند چرا که صفت اصلیه و خوردن بینی که شایان تقدیر و منتج با صلاح امور است

حق افراد است که مراحل تجارب عالی و دوره های اعمال برگزیده را مدت ها طی کرده خوب و بد جهان را بدستی و صحیح بدانند. اگر همه چه اشخاص خورده گیری و نکته چینی نمایند استعدادشان کافی بوده نتیجه و ثمره تجارب دائمی و افکار تربیه شده عالی ایشان است که در امور حیاتی امتحان کامله خود را بیابان بلند داده اند. مثلاً یکنفر سایر سپاهی که دوره های عسکری را بانها تجارب حربی و نظامی بطور صحیح طی کرده باشد. اگر در امورات حربی یا عسکری نکته چینی یا عیب گیری نماید بجا است بلکه دارای صفات خوب است که بدان واسطه خود را حق بجانب میدانند چرا که موسی البه می فهمد که جنگ چه گونه و بکدام نقاط لازمست و نتیجه آن چه خواهد شد؟ آنگاه اگر عسکر مذکور کار را اجرا و با فکر را ظاهر کنند نتیجه آن مفید واقع میشود. ازین معلوم میشود که اشخاص نو تربیه شوندگان که هنوز بمیدان تحصیل قدم میزنند نباید خود را نسبت بدان نتیجه مکلف و مستعد دانند بلکه لازمست که خود را در سنجش اطراف مسائل مشغول سازند. ازین رهگذر میتوانند که مراحل تجارب زندگی و عالی را طی کرده بجامعه و وطن خدمت نمایند.

شوریه شگاه علوم انسانی و باطنیات فرهنگی

